

ویژگی‌های اخلاقی امامان معصوم علیهم‌السلام در زیارتنامه‌ها

مجتبی حیدری*

چکیده

مقاله حاضر، ویژگی‌های اخلاقی امامان معصوم را که در زیارتنامه‌های اهل بیت علیهم‌السلام به

آنها پرداخته شده، بررسی کند. مهم‌ترین این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

۱. مهربانی: در زیارت امام هادی علیه‌السلام می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ النَّاصِحُ».
۲. نیکی به مردم: در زیارت جامعه کبیره آمده است: «عَادَتُكُمْ الْإِحْسَانُ وَسَجِيَّتُكُمْ الْكَرَمُ».
۳. صداقت: در زیارت ائمه بقیع علیهم‌السلام چنین آمده است: «وَأَشْهَدُ... وَأَنَّ قَوْلَكُمْ الصِّدْقُ».
۴. امانت‌داری: در زیارت ائمه بقیع علیهم‌السلام چنین می‌خوانیم: «وَأَشْهَدُ أَنَّكَ أَدَيْتَ الْأَمَانَةَ».
۵. مهار خشم و گذشت: در زیارت امام علی علیه‌السلام در روز غدیر این‌گونه می‌خوانیم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَزَلْ... عَلَى كَظْمِ الْغَيْظِ قَادِرًا وَعَنِ النَّاسِ غَافِرًا عَافِيًا».
۶. صبر در برابر مشکلات: در زیارتنامه چند امام معصوم (از جمله امام حسین، امام موسی کاظم، و امام جواد علیهم‌السلام) این تعبیر آمده است: «أَشْهَدُ أَنَّكَ... وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى فِي جَنَبِهِ».

کلیدواژه‌ها: ویژگی‌های اخلاقی، امامان معصوم علیهم‌السلام، مهربانی، نیکوکاری، صداقت،

امانت‌داری، مهار خشم، صبر.

*. عضو گروه اخلاق و اسرار پژوهشکده حج و زیارت و دکتری روان‌شناسی.

مقدمه

واژه «اخلاق»، جمع «خُلُق» شکل درونی انسان است.^۱ غرایز و صفات باطنی انسان، اخلاق نامیده می‌شود و به رفتاری که از این صفات ناشی شود نیز رفتار اخلاقی می‌گویند.^۲

اخلاق در جوامع بشری، مورد توجه قرار دارد و همه جوامع، کم یا زیاد، تلاش می‌کنند صفات و رفتارهای اخلاقی را در افراد گسترش دهند. رعایت موازین اخلاقی در جامعه، موجبات پیشرفت، بالندگی و سعادت افراد را فراهم خواهد ساخت. در مقابل، بدون رعایت اخلاق و آراسته بودن افراد به صفات اخلاقی، جامعه، رو به انحطاط خواهد رفت و از درون پوسیده خواهد شد. از این رو در اسلام، به اخلاق اهمیت بسیاری داده شده است؛ به گونه‌ای که رسول خدا ﷺ هدف از بعثت خود را به کمال رساندن مکارم اخلاق، معرفی می‌کند.^۳ امام علی علیه السلام انسان‌ها را این گونه به مکارم اخلاق توصیه می‌فرمود:

عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّهَا رِفْعَةٌ وَإِيَّاكُمْ وَالْأَخْلَاقَ الدَّنِيَّةَ فَإِنَّهَا تَضَعُ الشَّرِيفَ وَتَهْدِمُ
الْمُجَدَّ.^۴

بر شما باد به تحصیل و رعایت مکارم اخلاق، که مایه رفعت است و از خوی‌های پست، دوری کنید که آن، انسان‌های شریف را پست می‌کند و بزرگواری را از بین می‌برد.

از سوی دیگر، می‌دانیم که ائمه اطهار علیهم السلام، در مقام پیشوایان دینی منصوب از طرف خداوند، در همه ابعاد از جمله از نظر اخلاقی، در اوج قرار دارند و هیچ کس را نمی‌توان با آن بزرگواران مقایسه کرد. به تعبیر امام علی علیه السلام در نهج البلاغه:

لَا يُقَاسُ بِأَلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ وَلَا يُسَوَّى بِهِمْ مَنْ جَرَتْ نِعْمَتُهُمْ عَلَيْهِ أَبَدًا.^۵

هیچ کس از این امت را با آل محمد علیهم‌السلام نمی‌توان مقایسه کرد و آنها که از نعمت آل محمد علیهم‌السلام بهره گرفتند، با آنان برابر نخواهند بود.

شناسایی خصوصیات اخلاقی ائمه اطهار علیهم‌السلام، می‌تواند بهترین شیوه برای شناخت رفتارهای صحیح باشد و افراد را در الگوگیری از امامان معصوم علیهم‌السلام در زمینه‌های اخلاقی یاری دهد. یکی از راه‌های شناخت امامان علیهم‌السلام، مطالعه زیارتنامه‌های آنان است. این زیارتنامه‌ها، ائمه اطهار علیهم‌السلام را از جهات گوناگون، از جمله از جهت اخلاقی، توصیف، و ما را با خصوصیات اخلاقی آنان آشنا می‌کند.

از این‌رو، در این مقاله بر آنیم که با بررسی زیارتنامه‌های امامان معصوم علیهم‌السلام و در پرتو آیات قرآن کریم و روایات رسیده از معصومان، برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های اخلاقی آنان را بررسی کنیم. به امید آنکه این تلاش، راهی باشد برای اقتدا به آن بزرگواران و نزدیکی هرچه بیشتر به آنان. این خصوصیات اخلاقی عبارت‌اند از: مهربانی و مهرورزی، نیکی به مردم، صداقت، امانت‌داری، مهار خشم و گذشت از دیگران و صبر در برابر مشکلات.

۱. مهربانی و مهرورزی

یکی از کمالات روحی که در سایه غلبه عواطف بر غرایز در انسان به وجود می‌آید، لطافت روحی است. اصولاً روح انسانی به سبب برخورداری از مواهب الهی و ملکوتی، از خشونت روحی، بیزار و گریزان است و در حالت سلامت فطری، حداکثر لطافت و صفا را داراست، که صفای فطری موجود در دوران کودکی، خود شاهد زنده‌ای بر این امر است. اما زیاده‌روی در ارضای امیال حیوانی، سبب می‌شود روزبه‌روز از لطافت روحی کاسته شده، بر خشونت روحی افزوده شود و چه بسا انسان در ورطه حیوانیت و سببیت سقوط کند. رشد و پرورش عواطف در انسان، به آن دلیل که او را از عالم حیوانی دور می‌کند و از شدت توجه انسان به خود می‌کاهد، موجب کاهش خشونت

روحی شده، آدمی را به محور لطافت روحی نزدیک‌تر می‌کند. پیدایش این لطافت روحی نیز، زمینه را برای برقراری ارتباط و پیوند قلبی با دیگران مساعد می‌کند.^۶

بدین ترتیب، می‌توان گفت یکی از صفات پسندیده اخلاقی و کمالات انسانی، که برخاسته از لطافت روحی آدمی است، رأفت و مهربانی نسبت به دیگران است. به ویژه با توجه به آثار و نتایج مثبت محبت بین قلب‌های پاک و باایمان، در تعالیم اسلامی توجه خاصی به آن شده و حتی از امتیازات پیامبر گرامی اسلام ﷺ معرفی شده است:

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾^۷

به یقین، رسولی از خود شما به سويتان آمد، که رنج‌های شما بر او سخت است و اصرار بر هدایت شما دارد و نسبت به مؤمنان، رؤوف و مهربان است.

بر این اساس، مؤمنان نیز با الگو گرفتن از پیامبر اکرم ﷺ، در برخورد با یکدیگر، عطوفت و مهربانی را ابراز می‌کنند. پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

الرَّفْقُ يُمِّنُّ وَالْحَرْقُ شَوْمٌ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِأَهْلِ بَيْتٍ خَيْرًا أَدَخَلَ عَلَيْهِمْ بَابَ الرَّفْقِ فَإِنَّ الرَّفْقَ لَمْ يَكُنْ فِي شَيْءٍ إِلَّا زَانَهُ وَإِنَّ الْحَرْقَ لَمْ يَكُنْ فِي شَيْءٍ إِلَّا شَانَهُ.^۸

نرمی و ملایمت، مایه میمنت است و خشونت، شوم است. همین که خداوند برای اهل خانه‌ای نیکی بخواند، آنها را با ملایمت قرین می‌کند؛ زیرا ملایمت در هر چه باشد، آن را زینت می‌دهد و خشونت در هر چه باشد، آن را خوار می‌کند.

از آنجا که معصوم ﷺ در همه کمالات انسانی در نقطه اوج است، رأفت و رحمت او نیز، از همه مردم افزون‌تر است. ائمه اطهار ﷺ در مقام بندگان خاص خداوند، مهرورزی و دلسوزی را در ابعاد مختلف زندگی خود، به بهترین وجه به منصفه ظهور رساندند و از این جهت نیز، الگوی پیروان خود بودند. حبیب بن ابی‌ثابت می‌گفت:

در زمان امیر المؤمنین ﷺ روزی غسل و انجیر فراوانی از نواحی همدان و حُلوان برای

امام علی علیه السلام آوردند. ایشان فرمان داد یتیمان را آوردند و به آنان اجازه داد، از دهانه مشک، از عسل بخورند و خود، عسل را کاسه کاسه میان مردم تقسیم کرد. فردی از امام علیه السلام پرسید: «چرا یتیمان از دهانه مشک عسل می‌خورند؟». امام علیه السلام پاسخ داد: «امام، پدر یتیمان است و من به خاطر رعایت حق پدرانشان، به آنان چنین اجازه‌ای دادم».^۹

در زمان امام سجاد علیه السلام، یزید بن معاویه - لعنة الله علیه - لشکری را به فرماندهی «مسلم بن عقبه» برای کشتار و تاراج مدینه گسیل داشت. در این یورش، بیشتر مردم مدینه کشته شدند یا گریختند. امام سجاد علیه السلام در آن فاجعه، چهارصد خانواده را همراه خدمتکاران و حشم آنان، سرپرستی و نگهداری کرد و هزینه زندگی‌شان را پرداخت، تا غارتگران از مدینه رفتند و شهر به حالت عادی بازگشت.^{۱۰}

این ویژگی شاخص ائمه اطهار علیهم السلام در زیارتنامه‌های ایشان، مورد توجه قرار گرفته است. در بسیاری از زیارتنامه‌ها، شاهد آن هستیم که زائر بر عطف و مهربانی اهل بیت علیهم السلام، شهادت می‌دهد و به ایشان پناهنده می‌شود، تا از الطاف آنان بهره‌مند شود. برخی از این موارد را از نظر می‌گذرانیم:

- در زیارت علی علیه السلام، در شب مبعث، این گونه آمده است:

كُنْتَ لِلْمُؤْمِنِينَ أَبًا رَحِيمًا إِذْ صَارُوا عَلَيْكَ عِيَالًا فَحَمَلْتَ أَثْقَالًا مَا عَنْهُ ضَعْفُؤا وَ حَفِظْتَ
مَا أَضَاعُوا وَ رَعَيْتَ مَا أَهْمَلُوا وَ شَمَرْتَ وَ عَلَوْتَ إِذْ هَلِعُوا وَ صَبَرْتَ إِذْ جَزَعُوا كُنْتَ عَلَى
الْكَافِرِينَ عَذَابًا صَبِيًّا وَ غِلْظَةً وَ غَيْظًا وَ لِلْمُؤْمِنِينَ غَيْثًا وَ خِصْبًا وَ عَلِيًّا.^{۱۱}

برای مؤمنان، پدری مهربان بودی، که تحت سرپرستی تو قرار گرفتند. بارهای سنگینی که تحملش را نداشتند، به دوش کشیدی. آنچه را که ایشان ضایع کردند نگهداری کردی و آنچه را که اهمال کردند، مراعات کردی. دامن به کمر زدی، وقتی ترسیدند و برآمدی، هنگامی که بیتابی کردند و بردباری کردی، وقتی جزع کردند. تو بر کافران عذابی ریزان و با خشونت و خشم بودی و نسبت به مؤمنان، بارانی پربرکت، نعمتی فراوان و دانشی فراوان.

- در زیارت اربعین آمده است:

فَأَعْدِرْ فِي الدُّعَاءِ وَ مَنَحَ النُّصْحَ وَ بَدَّلَ مُهَجَّتَهُ فَيْكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ
الضَّلَالَةِ.^{۱۳}

امام حسین علیه السلام در دعوت مردم، جای بهانه‌ای نگذارد و خیرخواهی کرد و جان خود را در راه تو داد، تا بندگان را از نادانی و سرگردانی در گمراهی برهاند.

این عبارت، اوج عطوفت و محبت امام حسین علیه السلام نسبت به بندگان خدا را نشان می‌دهد.

- در زیارت امام هادی علیه السلام نیز می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَليِّ الصَّالِحِينَ ... السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ النَّاصِحُ»^{۱۴} «سلام بر تو ای مولای مؤمنان، سلام بر تو ای سرپرست صالحان، ... سلام بر تو ای سرپرست خیرخواه».

- همچنین در زیارت امام حسن عسکری علیه السلام چنین آمده است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِصْمَةَ الْمُتَّقِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْقَائِمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رُكْنَ الْمُؤْمِنِينَ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَرَجَ الْمُلهُوفِينَ.^{۱۵}

سلام بر تو ای نگهبان پرهیزگاران، سلام بر تو ای پیشوای رستگاران، سلام بر تو ای پایه و رکن اهل ایمان، سلام بر تو ای گشایش‌ده اندوهناکان.

۲. نیکی به مردم

یکی از مهم‌ترین رفتارهای دینی - اخلاقی که همه افراد لازم است خود را به آن آراسته کنند، نیکی کردن به دیگران است. امام علی علیه السلام فرمود: «رَأْسُ الْإِيْمَانِ الْإِحْسَانُ إِلَى النَّاسِ»^{۱۵} «سر ایمان، احسان کردن به مردم است».

ائمه اطهار علیهم السلام در مقام دارنده بالاترین فضایل انسانی و اسلامی، در برخورداری از این فضیلت نیز، در بالاترین درجه قرار دارند. آن بزرگواران آنچه را که از دستشان

برمی‌آمد، برای دیگران انجام می‌دادند؛ به گونه‌ای که حتی معاندان و غیرمعتقدان به ایشان نیز، از احسان آنان بهره‌مند می‌شدند. درباره احسان و نیکی ائمه اطهار علیهم‌السلام، داستان‌هایی نقل کرده‌اند که می‌تواند الگوی ما در زندگی باشد. ابن عباس می‌گفت: با [امام] حسن بن علی علیه‌السلام در مسجد الحرام بودم و او در حالی که معتکف بود و طواف [مستحب] می‌کرد، مردی از شیعیانش به او گفت: «ای پسر پیامبر! به فلائی بدهکارم. آیا قرض مرا می‌پردازی؟». آن امام علیه‌السلام فرمود: «به خدای این کعبه سوگند، امروز چیزی نزد من نیست». آن مرد گفت: «اگر صلاح می‌دانی، از او برای من مهلت بگیری؛ زیرا او مرا به زندان تهدید کرده است». [ابن عباس می‌گوید: امام حسن علیه‌السلام طواف خود را رها کرد و با آن مرد برای تأمین نیازش حرکت کرد. گفتیم: «ای پسر رسول خدا! مگر در حال اعتکاف نیستی؟». فرمود: «چرا، ولی از پدرم شنیدم که به نقل از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: هر کس نیاز برادر مؤمن خود را برآورد، همانند کسی است که نه هزار سال با روزه‌داری روزها و نماز شب‌هایش، خدا را عبادت کرده است.»^{۱۶} به دلیل این ویژگی ارزشمند امامان معصوم علیهم‌السلام است که می‌بینیم در برخی از زیارتنامه‌ها، به این مسئله توجه شده و زائر به ایشان، با عنوان اهل جود و کرم، درود می‌فرستد. در صلوات مخصوص امام کاظم علیه‌السلام می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ ... صَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ... مَقَرَّ النَّهْيِ وَالْعَدْلِ وَالْخَيْرِ وَالْفُضْلِ وَالنَّدَى وَالْبَذْلِ»؛^{۱۷} «خدایا ... بر امام موسی بن جعفر علیه‌السلام ... کانون خرد، عدالت، نیکی، فضیلت، بخشش، جود و عطا، درود فرست». همچنین در زیارت جامعه کبیره آمده است: «عَادَتُكُمْ الْإِحْسَانُ وَ سَجِيَّتُكُمْ الْكِرَامُ»؛^{۱۸} «عادت شما نیکی کردن، و شیوه شما، کرم و بزرگواری است».

۳. صداقت

یکی از ویژگی‌های مهم اخلاقی که در آیات قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام به آن توجه ویژه شده است، صدق و راستی در گفتار و کردار است. صداقت، عصاره تمام

خصلت‌های ستوده، نشانه بارز شخصیت و برجسته‌ترین صفت مؤمنان و پرهیزگاران است. امام علی علیه السلام فرمود: «إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا أَهَمَّهُ الصَّدْقُ»؛^{۱۹} «هنگامی که خداوند بنده‌ای را دوست داشته باشد، راستی و صداقت [در گفتار و کردار] را به او الهام می‌کند.»

نکته مهمی که لازم است در اینجا به آن توجه کرد، این است که ائمه اطهار علیهم السلام، بزرگ‌ترین صادقان هستند و صداقت و راستی، سراسر وجود و زندگی‌شان را فرا گرفته است؛ به حدی که خداوند متعال در قرآن کریم، از آنان با عنوان «صادق» نام می‌برد و از مردم می‌خواهد، که از آنان پیروی کنند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»؛^{۲۰} «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از [مخالفت فرمان] خدا پرهیزید، و با صادقان باشید».

امام صادق علیه السلام نیز فرمودند: «منظور از صادقین در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» آل محمد علیهم السلام هستند».^{۲۱}

در زیارت‌نامه‌های امامان معصوم علیهم السلام، در موارد متعدد به صدق و راستی اهل بیت علیهم السلام پرداخته شده، زائر بر صداقت و درستی ایشان شهادت می‌دهد. زائر کوی امامان علیهم السلام با این کار، همسویی خود با معصومان علیهم السلام و پیروی از آنان را نشان می‌دهد؛ باشد که در این راه، تلاش بیشتری به عمل آورد و جایگاه خود را نزد آنان، ارتقاء بخشد. به برخی از زیارت‌نامه‌ها توجه می‌کنیم.

در زیارت علی علیه السلام در روز شهادت ایشان می‌خوانیم: «سَأْنُكَ الْحَقُّ وَالصِّدْقُ»؛^{۲۲} «شان تو، جایگاه تو، حق و راستی است».

در زیارت ائمه بقیع علیهم السلام چنین آمده است: «وَأَشْهَدُ ... وَأَنْ قَوْلَكُمْ الصِّدْقُ»؛^{۲۳} «و شهادت می‌دهم ... که سخن شما راستی است».

همچنین در زیارت ائمه بقیع علیهم السلام آمده است: «وَرَبَّاكُمْ الصِّدْقُ؟»؛^{۲۴} «صداقت، شما را پرورش داد».

- در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم: «وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَيْمَّةَ ... الصَّادِقُونَ»^{۲۵} ... وَشَأْنَكُمْ

الْحَقُّ وَالصِّدْقُ»؛^{۲۶} «و شهادت می‌دهم که شما پیشوایان ... و راستگویان هستید ... و شأن و جایگاه شما، حق و راستی است».

۴. امانت‌داری

امانت‌داری، نشانه بارز ایمان و نوعی رابطه اعتمادآمیز بین انسان و غیر اوست. قانون حفظ امانت، زیربنای یک جامعه سالم انسانی است و هیچ جامعه‌ای، خواه مادی یا الهی، بدون اجرای این اصل، سامان نمی‌یابد. به تعبیر دیگر، اساس نظام اجتماعی بر آن استوار، و استحکام روابط شهروندان، به طور مستقیم به آن وابسته است. امانت‌داری به مثابه صداقت و راستی در عمل است؛ همچنان‌که راستگویی، نوعی امانت‌داری در گفتار به حساب می‌آید.^{۲۷} از این رو، امانت‌داری در آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام، بسیار بر آن سفارش شده است. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾؛^{۲۸} «خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بدهید!».

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

مَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ إِلَّا وَهُوَ تَحْتَ قَدَمِي إِلَّا الْأَمَانَةَ، فَاتَّهَا مُؤَدَّاةً إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ.^{۲۹}
هیچ رسم و سنتی در جاهلیت نبود، مگر اینکه زیر دو پای من است (اعتبار ندارد)؛ مگر امانت‌داری. همانا امانت را باید به نیکوکار و بدکار برگرداند.

از این رو در برخی از زیارتنامه‌های معصومان علیهم‌السلام، بر ادای امانت به عنوان یکی از رفتارهای مورد ستایش ایشان، تأکید شده است و زائر به آن شهادت می‌دهد. برای مثال:
- در زیارتنامه امام موسی کاظم علیه‌السلام می‌خوانیم: «وَأَشْهَدُ... أَنَّكَ أَدَيْتَ الْأَمَانَةَ وَاجْتَنَبْتَ الْحِيَانَةَ»؛^{۳۰} «شهادت می‌دهم ... که تو امامت [الهی] را ادا کردی و از خیانت، اجتناب ورزیدی».
- در زیارت امام رضا علیه‌السلام می‌خوانیم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ... أَدَيْتَ الْأَمَانَةَ»؛^{۳۱} «شهادت می‌دهم که تو ... امانت [الهی] را ادا کردی».

۵. مهار خشم و گذشت از دیگران

یکی از صفات بسیار مهم در روابط بین فردی، که تأثیر بسیاری در کمال آدمی و سامان یافتن روابط اجتماعی دارد، حلم و بردباری است. در تفسیر حلیم گفته‌اند، کسی است که در عین توانایی، در هیچ کاری قبل از وقتش، شتاب نمی‌کند و در کیفر مجرمان، عجله‌ای به خرج نمی‌دهد؛ روحی بزرگ دارد و بر احساسات خویش، مسلط است.^{۳۳} راغب در مفردات می‌گوید: «حلم به معنی خویشتن‌داری به هنگام هیجان غضب است».^{۳۳} این صفت با تعبیر «کظم غیظ» (فرو بردن خشم) نیز در قرآن به کار رفته است:

﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالصَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾^{۳۴}

[پرهیزگاران]، کسانی [هستند] که در توانگری و تنگدستی، انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از خطای مردم، در می‌گذرند و خدا، نیکوکاران را دوست دارد. فرو بردن خشم، بسیار خوب است، اما به تنهایی کافی نیست؛ زیرا ممکن است کینه و عداوت را از قلب انسان ریشه کن نکند. در این حال برای پایان دادن به حالت عداوت، باید «کظم غیظ» با «عفو و بخشش» توأم شود. بنابراین در این آیه، لذا به دنبال صفت عالی خویشتن‌داری و فرو بردن خشم، مسئله عفو و گذشت را نیز بیان کرده است.^{۳۵} رسول خدا ﷺ فرمود: «عَلَيْكُمْ بِالْعَفْوِ فَإِنَّ الْعَفْوَ لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا عِزًّا فَتَعَاَفَوْا يُعِزَّكُمْ اللَّهُ»؛^{۳۶} «بر شما باد به گذشت؛ زیرا که گذشت، جز بر عزت بنده نمی‌افزاید. پس، از یکدیگر گذشت کنید، تا خدا شما را عزت بخشد».

حلم و کظم غیظ، به قدری مهم است که در زیارتنامه‌های اهل بیت علیهم‌السلام مورد توجه قرار گرفته است و زائران کوی ایشان، با این عنوان به ایشان سلام می‌دهند و بر این ویژگی شاخص آنان، شهادت می‌دهند:

- در زیارت امام علی علیه السلام در روز غدیر این گونه می خوانیم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَزَلْ ... عَلَى كَظْمِ الْغَيْظِ قَادِرًا وَعَنِ النَّاسِ غَافِرًا عَافِيًا»^{۳۷} «شهادت می دهم که تو همواره... بر فرو خوردن خشم خود، توانا بودی و مردم را می بخشیدی و از آنان می گذشتی».

- در زیارتنامه امام موسی کاظم علیه السلام این گونه به ایشان صلوات می فرستیم: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ مِنْ خَلْقِكَ ... مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ... خَازِنِ الْحِلْمِ وَكَاطِمِ الْغَيْظِ»^{۳۸} «خدا یا بر حجتت در میان بندگانت ... موسی بن جعفر ... گنجینه بردباری و فروخورنده خشم، درود فرست». در زیارت امام عسکری علیه السلام می گوئیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ الْحِلْمِ»^{۳۹} «سلام بر تو ای کشتی حلم و بردباری».

- در زیارت جامعه کبیره این گونه می گوئیم: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ ... وَ مُتَّهَى الْحِلْمِ ۴۰ ... وَ رَأَيْكُمْ عِلْمٌ وَ حِلْمٌ وَ حَرَمٌ»^{۴۱} «درود بر شما ای اهل بیت نبوت ... و ای دارندگان نهایت بردباری ... و رأی شما بر علم، بردباری و دورانیدگی قرار گرفته است».

۶. صبر در برابر مشکلات

صبر و شکیبایی، عبارت است از ثبات و آرامش نفس در سختی‌ها و پایداری در برابر آنها؛ به طوری که گشادگی خاطر و آرامشی را که پیش از وقوع آن حوادث داشت، از دست ندهد و زبان خود را از شکایت، و اعضای خود را از حرکات نابهنجار، حفظ کند.^{۴۲}

صبر بر مشکلات در منابع اسلامی، بسیار مورد توجه قرار گرفته است. کمتر موضوعی را در قرآن می توان یافت که مانند صبر، تکرار شده و مورد تأکید قرار گرفته باشد. در قرآن مجید در حدود هفتاد مورد از صبر، سخن به میان آمده است.^{۴۳} برای مثال، قرآن کریم در توصیه مؤمنان به صبر می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»^{۴۴} «ای افرادی که ایمان آورده‌اید! از صبر [و استقامت] و نماز، کمک بگیرید! [زیرا] خداوند با صابران است».

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «الصَّبْرُ خَيْرٌ مَّرْكَبٍ مَا رَزَقَ اللَّهُ عَبْدًا خَيْرًا لَهُ وَلَا أَوْسَعَ مِنْ الصَّبْرِ»؛^{۴۵} «صبر، بهترین مرکب است و خداوند چیزی بهتر و باکشایش تر از آن را، روزی هیچ بنده‌ای نکرده است».

تاریخ مردان بزرگ، گواهی می‌دهد که یکی از عوامل مهم یا مهم‌ترین عامل پیروزی آنان، استقامت و شکیبایی بوده است، افرادی که از این صفت بی‌بهره‌اند، در گرفتاری‌ها بسیار زود از پا در می‌آیند. می‌توان گفت، نقش صبر در پیشرفت افراد و جامعه‌ها، بسیار فراتر از نقش امکانات، استعداد، هوش و مانند آنهاست. اصولاً ویژگی استقامت و پایداری، این است که فضایل دیگر، بدون آن ارج و بهایی نخواهد داشت، که پشتوانه همه آنها صبر است. بنابراین در نهج البلاغه در کلمات قصار می‌خوانیم:

عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَلَا خَيْرَ فِي جَسَدٍ لَا رَأْسَ مَعَهُ وَلَا خَيْرَ فِي إِيْمَانٍ لَا صَبْرَ مَعَهُ.^{۴۶}

بر شما باد به صبر و استقامت، که صبر در برابر ایمان، همچون سر است در مقابل تن. تن بی‌سر، فایده‌ای ندارد. همچنین ایمان بدون صبر، ناپایدار و بی‌نتیجه است.

تاریخ گواهی می‌دهد که اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام، بزرگ‌ترین سختی‌ها و مصیبت‌ها را در راه انجام وظیفه و هدایت انسان‌ها متحمل شدند و هیچ‌گاه در برابر مشکلات و مصائب، خم به ابرو نیاوردند. برای مثال:

- پیامبر اکرم ﷺ را به حدی اذیت کردند که آن حضرت فرمود: «مَا أُودِيَ نَبِيٌّ مِثْلَ مَا أُودِيْتُ»؛^{۴۷} «هیچ پیامبری آن‌گونه که من اذیت شدم، اذیت نشد».

- علی علیه‌السلام درباره قضایای غصب خلافت و سختی‌های آن دوران در خطبه شقشقیه فرمود: «فَصَبْرَتْ وَفِي الْعَيْنِ قَدَى وَفِي الْحَلْقِ شَجَا»؛^{۴۸} «شکیبایی پیشه کردم، درحالی که گویی چشمم را خاشاک پر کرده و استخوان، راه گلویم را گرفته بود».

- درباره مصیبت‌های وارد شده بر امام حسین علیه‌السلام، به همین فقره از زیارت عاشورا اکتفا می‌کنیم:

يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظَّمْتَ الرَّزِيَّةَ وَجَلَّتْ وَعَظَّمْتَ الْمِصِيْبَةَ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ جَمِيعِ أَهْلِ
الْإِسْلَامِ، وَجَلَّتْ وَعَظَّمْتَ مُصِيبَتِكَ فِي السَّمَاوَاتِ عَلَىٰ جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ.^{۴۹}

ای اباعبدالله، همانا مصیبت تو، بس عظیم است و مصیبت تو، بر ما و بر همه مسلمانان،
بس بزرگ و عظیم است و مصیبت تو در آسمانها، بر جمیع اهل آسمانها، بسیار
بزرگ و عظیم است.

امامان دیگر نیز هر یک، در زندگی شخصی و نیز بسته به شرایط خاص دوران
خود، با مشکلات بسیاری مواجه بودند و در این راه، به بهترین وجه، با شکیبایی،
با مشکلات مواجه شدند. به دلیل صبر عظیم اهل بیت علیهم السلام در مصیبتها بود که در
بسیاری از زیارتنامه‌های اهل بیت علیهم السلام، به این مسئله پرداخته شده و زائر با خواندن
زیارتنامه، به صبر ایشان در برابر مشکلات و آزار و اذیتها، گواهی می‌دهد. برای مثال:
- در زیارت علی علیه السلام در روز غدیر آمده است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ... لَا تَحْفَلُ بِالنَّوَائِبِ وَلَا تَمِنُ عِنْدَ الشَّدَائِدِ وَلَا تُحْجِمُ عَنْ
مُحَارَبٍ... وَصَبَرْتَ عَلَىٰ الْأَذَىٰ صَبْرًا حَسَبًا.^{۵۰}

سلام بر تو ای امیر مؤمنان، ... باکی از پیشامدها نداشتی و در سختیها، سستی نکردی
و از جنگجویان دشمن، رو برنگرداندی ... در مقابل اذیتها، پاداش جویانه صبر
کردی.

- در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر می‌خوانیم: «وَأَنْتَ حَائِزٌ دَرَجَةَ الصَّبْرِ فَأَنْزُ
بِعَظِيمِ الْأَجْرِ»^{۵۱} «و تو برخوردار از درجه صبر هستی و در نتیجه، از اجر عظیمی بهره‌مند هستی».
- در زیارتنامه چند امام معصوم (از جمله امام حسین،^{۵۲} امام موسی کاظم،^{۵۳} و امام
جواد علیهم السلام)^{۵۴} این تعبیر آمده است: «أَشْهَدُ أَنَّكَ... وَصَبَرْتَ عَلَىٰ الْأَذَىٰ فِي جَنْبِهِ»؛ «شهادت
می‌دهم که تو ... بر اذیت شدن‌ها در راه خدا، صبر کردی».

- در زیارت جامعه کبیره نیز همین تعبیر آمده است: «وَبَدَلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ
وَ صَبَرْتُمْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكُمْ فِي جَنْبِهِ»^{۵۵} «جان خود را در راه خشنودی او تقدیم کردید و بر

مصیبت‌هایی که در راه او بر شما وارد شد، صبر کردید.

- در زیارت ائمه بقیع علیهم‌السلام می‌خوانیم: «فَأَنْتُمْ الْعِبَادُ الْمَكْرُمُونَ... وَالصَّابِرُونَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ»^{۵۶} «پس شما بندگان مورد احترام... و صبر کنندگان در دشواری‌ها، آسیب‌ها و نبردها هستید».

- در صلوات مخصوص امام موسی بن جعفر علیه‌السلام می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ... وَصَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ... مَأْلَفِ الْبُلُوَى وَالصَّيْرِ»^{۵۷} «خدایا... بر امام موسی بن جعفر علیه‌السلام... خو گرفته به بلا و صبر، درود فرست».

به دلیل اهمیت صبر و منزلت بالای صابران نزد خداوند، در زیارت امین الله، زائر امامان علیهم‌السلام، از خدا می‌خواهد که توفیق تبعیت از ایشان را در این زمینه به او عطا فرماید و در مقابل مشکلات، به او صبر دهد: «اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي... صَابِرَةً عَلَى نُزُولِ بَلَائِكَ»^{۵۸} «خدایا مرا... بر نازل شدن بلایت، صابر قرار بده».

پی‌نوشت‌ها

۱. لسان العرب، ج ۱۰، ص ۸۶
۲. نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، ص ۱۴.
۳. مکارم الاخلاق، ص ۸.
۴. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۵۳.
۵. نهج البلاغه، ص ۴۷.
۶. اخلاق اسلامی، ص ۱۰۷.
۷. توبه: ۱۲۸.
۸. نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ)، ص ۵۰۹.
۹. الکافی، ج ۱، ص ۴۰۶.
۱۰. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۰۱.
۱۱. المزار (لشهاد الاول)، ص ۱۰۳.
۱۲. المزار، ص ۱۸۶.
۱۳. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۶۴.
۱۴. همان، ج ۹۹، ص ۶۷.
۱۵. شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، ج ۴، ص ۵۲.
۱۶. عدة الداعی و نجاح الساعی، ص ۱۹۲.
۱۷. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۷.
۱۸. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۶.
۱۹. شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، ج ۳، ص ۱۶۱.
۲۰. توبه: ۱۱۹.
۲۱. بحار الانوار، ج ۳۱، ص ۴۱۷.
۲۲. المزار، ص ۱۰۴.

۲۳. الکافی، ج ۴، ص ۵۵۹.
۲۴. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۲۰۸.
۲۵. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۱۱؛ شاید اشاره به آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ (توبه: ۱۱۹) داشته باشد.
۲۶. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۱۶.
۲۷. فرهنگ صفات: بایدها و نبایدهای اخلاقی، عباس اسماعیلی یزدی، ص ۲۰۱.
۲۸. نساء: ۵۸.
۲۹. تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۵۴.
۳۰. زاد المعاد - مفتاح الجنان، ص ۵۳۵.
۳۱. المقنعة، ص ۴۸۰؛ المزار الكبير، ص ۵۵۱.
۳۲. تفسیر نمونه، ج ۱۹، ص ۱۱۰.
۳۳. المفردات فی غریب القرآن، ص ۲۵۳.
۳۴. آل عمران: ۱۳۴.
۳۵. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۹۷-۹۸.
۳۶. الکافی، ج ۲، ص ۱۰۸.
۳۷. المزار، ص ۷۰.
۳۸. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۹.
۳۹. همان، ج ۹۹، ص ۶۷.
۴۰. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۱۰.
۴۱. همان، ج ۲، ص ۶۱۶.
۴۲. علم اخلاق اسلامی، ص ۴۴۲.
۴۳. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۱۸.
۴۴. بقره: ۱۵۳.
۴۵. بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۳۹.

٤٦. نهج البلاغه، ص ٤٨٢.
٤٧. مناقب آل ابى طالب عليه السلام، ج ٣، ص ٢٤٧.
٤٨. نهج البلاغه، ص ٤٨.
٤٩. المزار الكبير، ص ٤٨١.
٥٠. المزار، ص ٧١.
٥١. همان، ص ٨٠.
٥٢. المزار الكبير، ص ٤١٥.
٥٣. المزار، ص ١٨٩.
٥٤. همان، ص ١٩٢.
٥٥. من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٦١٢.
٥٦. بحار الانوار، ج ٩٧، ص ٢٠٨.
٥٧. همان، ج ٩٩، ص ١٧.
٥٨. المزار، ص ١١٥.